

# فرهنگیان نیوز

علیرضا عبدی

طنزپرداز



## « معذرت خواهی واحد مرکزی خبر در پی اعلام نکردن اخبار فرهنگیان »

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، واحد مرکزی خبر از اینکه خبر افزایش نیم درصدی حقوق فرهنگیان را فقط سی و هشت بار از طریق اخبار شبکه‌های مختلف تکرار کرده است از مردم عذرخواهی کرد.

### • متن توبه‌نامه خبرگزاری صداوسیما بدین شرح است:

مردم عزیز و شریف ایران، با درود به روح پاک یک‌یک شما فرهنگیان و شما دوست‌داران اخبار فرهنگیان که الان به جمع ما پیوستید، مطلع شدیم که تکرار سی و هشت باره اخبار فرهنگیان را مبنی بر عدم اعلام آن دانسته‌اید. بدین وسیله، علاوه بر درخواست پوزش، متعهد می‌شویم که تمامی اخبار فرهنگیان، از جمله افزایش حقوق، واریز مطالبات حق التدریس، واریز قطره‌چکانی پاداش بازنشستگی، تخصیص بن کالا، پیامک تبریک تولد توسط بانک سرمایه، رتبه‌بندی، نتایج رتبه‌بندی، اعتراض به رتبه‌بندی، نتایج اعتراض به رتبه‌بندی، نتایج اعتراض به رتبه‌بندی و... را روزانه بیش از شصت‌هفتاد بار از اخبار شبکه‌های مختلف درون مرزی و بیرون مرزی، زیرنویس فوتبال‌ها، بین پیام‌های بازرگانی، درون پیام‌های بازرگانی، الصاق

بنر خبر به صورت میدانی در ورودی و خروجی شهرها و دور میدانی اصلی و فرعی شهر به سمع و نظر شما برسانیم.

امید است این اطلاع‌رسانی موجب افزایش رضایت شما مخاطبان عزیز از اخبار شود. در ضمن اگر موفق به دریافت بیش از بیست‌سی بار اخبار نمی‌شوید، با ارسال ایمیل خود به روابط عمومی واحد مرکزی خبر، از اخبار فرهنگیان، در موبایل خود، بیش از بیست‌سی بار مطلع شوید.

### « رسیدگی به اعتراضات رتبه‌بندی ادامه دارد »

بعد از گذشت هشت ماه از اجرای رتبه‌بندی و عدم احقاق حقوق کامل فرهنگیان، رسیدگی به اعتراضات رتبه‌بندی هنوز هم ادامه دارد. در پی درخواست کلی از همکاران فرهنگی مبنی بر اعتراض و رسیدگی به آن‌ها، واریز دیون مابه‌التفاوت حقوق ایشان نیز به دوسه سال آینده موکول شد. گفتنی است که حقوق دوسه سال آینده‌ی این فرهنگیان طبق نرخ مصوب امروز پرداخت خواهد شد.

### « در سامانه‌ی سیدا کماکان برای علاقه‌مندان بسته است »

به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر، امروز و در پایان دومین ماه شروع مدارس، سامانه‌ی یکپارچه‌سازی دانش‌آموزان ملقب به سیدا، باز نشده، مسدود است.

این اختلال به گونه‌ای است که اسم دانش‌آموز در صورت نشستن در سامانه، به یک‌باره به پرواز در می‌آید.

آقای سامانه‌دار رییس کمیسیون ستاد رسیدگی به اختلالات سیدا خاطرنشان کرد که این مهاجرت اسامی دانش‌آموزان فصلی بوده که با نزدیک‌تر شدن به امتحانات ترم اول، حل می‌شود. وی در ادامه افزود که در صورت حل نشدن مشکل این سامانه، معلمان و معاونان اجرایی مدارس، موظف‌اند با روش‌های بومی محلی «ده بیس سی چهل...» و یا «هرکی تک بیاره وارد اون کلاس می‌شه...» به سامانه‌ی دانش‌آموزان بپردازند.

# بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

یاسر پناهی فکور

شاعر



بنگوریون مسئولی بی‌وجود  
دروغی کرده بودن وانمود  
راه فرار دریا نبود از تو بود  
کلاس شنا رفتیم المیادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

کنار هم شاد بودیم و خندان  
از بلژیک و آلمان و قزاقستان  
حامام خوب و پرتقال دان زات دان  
یهو اومد چه طوفانی، چه بادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

گفته بودن که دیواری حائل  
راه نفوذ نداره از مقابل  
سنسوراشم که مشتتانی اند و کامل  
چه دیوار قابل اعتمادی!  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

یه روز که لم داده بودیم تو منزل  
تو فکر بحر و نهر و این مسائل  
یهو دیدیم حماسه میشه نازل  
با شلوار سه خط نوک مدادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

درگیر درگیری بودیم با حماس  
حزب الله هم می‌دید حواس اونچاس  
از پشت لگد می‌زد به جای حساس  
بمنیام خنجراشون فولادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

گفتیم خبرنگار زدن مجازه  
تا پخش نشه عکسای پر جنازه  
کی کرده پخش عکس رو بی‌اجازه؟  
ای تف به بدبختی و نامرادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

هر چیه کار بسیج و سپاهه  
شعبه زدن توی پاریس و لاهه  
چارلز فیلیپ که بعد قرن شاهه  
سرش کلاه رفته به این گشادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

خمپاره‌های دستی روی شهرک  
گنبد آهنین رو کرده دلفک  
تانکا رو می‌ترکونن با فندک  
بهش می‌گن تا کتیکای جهادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

وقتی که هر کی بود پی شیدای  
راه نجات تو نشونم دادی  
فقط تو پشت مردمت ایستادی  
برای ما تو سنبل نمادی  
بنگوریون دنیا یا لان دنیادی

# ته‌خویشنداری

محمدعلی النجانی

طنزپرداز



سال‌ها پیش در چنین روزی، سرانجام یازده سال پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، یعنی در ۱۸ آذر ۱۳۷۰، دبیر کل سازمان ملل متحد پس از کش‌وفوس دادن به اعضا و مقداری هم جوارح خود و کشیدن یک خمیازه مسوط و گفتن: «آخیش!» عجب چرتکی، جیگرم حال اومد! کشور عراق را به‌عنوان آغازگر جنگ معرفی کرد. و سپس با دهانی باز به قاعده غار کتله‌خور و در حالی که لوزالمعده‌اش هم از شدت تعجب معلوم بود، گفت: «ای بابا! کی جنگ شد؟ چرا زودتر نگفتید؟ حداقل به نگرانی‌ای داشتیم که ابراز کنیم. حیف شد!» و درحالی که دوانگشتی بر پشت دستش می‌زد و لبش را می‌گزید، مکدرانه رفت تا برای رفع کدورت دمی بیاساید.

قضیه این جواری آغاز شد. همان‌گونه که همگان اطلاع دارند (البته به غیر از دبیر کل وقت سازمان ملل)، عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد. صدام با چراغ سبزی که گرفته بود با خیال تخت برای تجزیه ایران و تبدیلیش به ایرانک‌های کوچولو و گوگولی‌مگولی‌تر جنگ را آغاز کرد. (در گری‌نامه: حسرت است، برو بوق بزن!) او تصور می‌کرد که می‌تواند ایران را در عرض یک هفته اشغال کند؛ اما از آنجا که هنوز در جای سفت قضای حاجت نکرده بود، با چراغ قرمز مقاومت ایرانیان مواجه شد و روزها را پس از هم به شب می‌رسانید؛ ولی دریغ از پیشروی قابل انتظار. پس بدین جهت برای تجدید قوا از سازمان ملل درخواست تایم اوت کرد. (در غلطنامه: کم آوردم. شکر خوردم) در پی همین امر فقط چند روز پس از شروع جنگ، اولین قطعنامه صادر شد. قطعنامه‌ای که در بند اول آن با قسم دادن به جان خواهر، مادر طرفین از آنها خواسته بود که حالا اتفافی است که افتاده، بروید روی هم را ماچ کنید و با هم داداشی باشید.

در بند دوم آن نیز آمده بود حالا گیریم عراق دوتا تیر و ترکش هم زده تو خاک ایران، خب ایران هم برود یک تف (همان آب دهان) بیندازد تو خاک عراق تا قضیه فیصله پیدا کند.

در بندهای بعدی هم به‌صورت رگباری با دعوت همگان به خویشنداری، خویشنداری خویشنداران را ستوده بود.

اما ایران اعلام کرد «زن‌گید؟ بچه کدوم محلید؟! می‌خواید تا برگشتیم دوباره از پشت حمله کنید!» و با گفتن یه نع کشدار بیان داشت: «ما از اوناش نیستیم. اول تکلیف کشور متجاوز رو مشخص کنید تا برسیم سر قدم بعدی.»

قضیه این جواری ادامه داشت که هی عراق درخواست تایم اوت می‌داد (در غلطنامه جلد ۱۲: خیلی شکر خوردم.) و سازمان ملل هم با بغضی فروخورده و ابراز مراتب نگرانی قطعنامه‌ای جدید صادر و طرفین را به خویشنداری دعوت می‌کرد و همچنان ایران پاسخ می‌داد: «بروید این دام بر مرغ دگر نهید... اول آغازگر جنگ را معلوم کنید تا بعداً نگوئید کی بود، کی بود، من نبودم.»

پس این جواری‌تر شد تا در نهایت ایران با وقوع حوادثی در پشت پرده، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت؛ اما کماکان خبری از اعلام آغازگر جنگ نبود. ظاهراً برویج سازمان ملل مشغول بازی «همه ساکت بودند ناگهان خری گفت» بودند که هیچ خری، چیز، یعنی هیچ کسی حرفی نمی‌زد. از طرفی دیگر صدام که در مقابله با ایران ساینده بود به الک، برای جبران ساینده‌ی و بازگرداندن سروسزنی غرور از دست رفته و جبران خیطی بالا آورده و البته با نیم‌نگاه زیرجلکی به نفت کویت به آن کشور حمله کرد. به همین علت آمریکا که جنگ را لحظه‌ای تحمل نمی‌کرد، شاید هم دوری از جنگ را، به کمک کویت شتافت و با یک تیپا و دوتا اردنگی به نشیمنگاه صدام، او را از آنجا بلند و بیرون کرد و به او گفت: «برو بشین سر جات. دهه...» در پی آن اتفاق سازمان ملل هم قطعنامه‌ای علیه عراق صادر کرد و با گفتن جملاتی که نه در شأن نگارنده است و نه خواننده، صدام را سر جایش نشاند (در منابع آمده که صدام به علت سوزش در بعضی نواحی تا مدت‌ها نمی‌توانست بنشیند). در ادامه سازمان ملل که دید ته برگه قطعنامه هنوز در حد دو خط جا دارد، برای جلوگیری از اسراف و قطع نشدن درخت و حفظ محیط زیست و از این اراجیف، عراق را به عنوان مسئول و آغازگر جنگ ۸ ساله بر علیه ایران معرفی کرد.

